

وقاحت

بهر روز طیرانی

در طول نزدیک به پنج ماه که از مرگ دردناک مهسا امینی می‌گذرد در داخل و خارج ایران تظاهرات و تجمعات بسیار متعددی برگزار شده است. در این تجمعات اقشار گوناگون از هر طیف و طبقه و با افکار و سلیقه و دیدگاه‌های گوناگون شرکت کردند.

اما گاهی حضور برخی افراد همچون پرویز ثابتی در تجمع روز شنبه در لس‌آنجلس آمریکا اصل خبر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

اما شاید مهم‌تر از حضور ثابتی و خانواده‌اش در آن تجمع، پوشش خبری که رسانه‌های خارج از ایران به این خبر دادند جالب و تعجب‌انگیز بود که از آن جمله می‌توان به برنامه "60 دقیقه" تلویزیون بی‌بی‌سی اشاره کرد. در آن برنامه فردی به نام عرفان قانعی فرد که پیش از آن خاطرات پرویز ثابتی را تحت عنوان "در دامگه حادثه" منتشر کرده است در مقام وکیل مدافع پرویز ثابتی به سؤالات مجری برنامه پاسخ داد و در حقیقت به تطهیر مقام امنیتی سابق پرداخت.

وکیل مدافع ثابتی که از او با عنوان عالی‌جناب ثابتی نام می‌برد همچون خود ثابتی که ظاهراً به بیماری فراموشی دچار شده است یکسره همه وقایع تاریخی را کتمان کرد. وی از جمله موضوع شکنجه زندانیان در زندان‌ها و اتاق‌های بازجویی قصر و اوین و کمیته مشترک را اساساً نفی کرد. همه زندانیان دوره شاه و کسانی که ساواک به شکار آنها می‌پرداخت و با دلیل و بی‌دلیل زندانی و شکنجه می‌کرد را به جنبش چریکی و سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی نسبت داد. اعدام 9 زندانی در تپه‌های اوین را مرگ در هنگام فرار از زندان توصیف کرد.

اما ثابتی و مؤلف کتابش به هنگام تحریف تاریخ و تکذیب آن چه در ساواک و به دست بازجوها و مأموران ستم و شکنجه بر اسیران آنها رفته بود یک چیز را فراموش کرده‌اند و آن این است که هنوز تعداد زیادی از آنها که زیر شلاق بازجویان تحت امر آقای عالی‌جناب ثابتی شب را به صبح رسانده‌اند زنده و در قید حیات‌اند. اتفاقاً بسیاری از همین افراد که از مخالفان نظام مستقر امروز ایران هستند هم به دلیل همین مخالفتشان اکنون در خارج به سر می‌برند و کافی است تا با یک فراخوان برای نشان‌دادن آثار برجای‌مانده از شلاق مأموران آن عالی‌جناب در برابر نهادهای بین‌المللی شهادت دهند. مرحوم محمدعلی رجایی به هنگام سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل آثار شکنجه بر پاهای خود را به حاضران نشان داد. مهدی فتاپور میهمان برنامه بی‌بی‌سی نیز در همین برنامه پیشنهاد کرد که از پشت دوربین آثار شکنجه را به رویت بینندگان برساند.

موضوع شکنجه زندانیان اسیر ساواک نه تنها از سوی اعضای سازمان‌های چریکی بلکه در صدها خاطرات منتشر شده دیگر زندانیان ساواک همچون آیت‌الله منتظری، مهندس بازرگان، مهندس سبحانی هاشمی رفسنجانی، هادی غفاری و... که چریک و یا به قول ثابتی و قانعی فرد تروریست هم نبوده‌اند روایت شده است.

همچنین برخی از مأموران ساواک هم که بعد از پیروزی انقلاب بازداشت و محاکمه شده‌اند نیز در اعترافات خود بر این موضوع صحه گذاشته‌اند که بهمن نادری پور و آرش از آن جمله بودند. ولی در نگاه ثابتی، قانعی‌فرد و سایر مدافعان رژیم دیکتاتوری پهلوی همچون سایر دیکتاتورها از اصل موضوع آزار و اذیت زندانیان و شکنجه آنها تکذیب می‌شود و چون با ادله و براهین بی‌چون و چرا روبه‌رو می‌شوند آن را فقط درباره چریک‌های دستگیر شده آن هم در حداقل ممکن قبول می‌کنند.

اما جدای از بحث شکنجه، ماجرای اسیر کشی و اعدام زندانیانی که به جرم قیام علیه رژیم بازداشت و محاکمه و به حبس‌های طویل‌المدت همچون حبس ابد محکوم شده و در میانه دوران محکومیت بودند داستان بس هولناکی است که ثابتی در خاطرات خود و قانعی‌فرد در مصاحبه با بی‌بی‌سی آن را تحریف کرده و فرار از زندان جلوه دادند. آگاهی از آن ماجرا در شناخت هویت واقعی ثابتی و مؤلف کتابش ضروری است.

روز سی‌ام فروردین 1354 این خبر در روزنامه‌ها به چاپ رسید: «امروز مقامات انتظامی اعلام کردند، 9 نفر زندانیانی که قصد فرار داشتند کشته شدند... مقامات زندان تصمیم گرفتند آنها را به زندان دیگری منتقل نمایند. هنگامی که اتوبوس زندانیان مورد بحث... در حرکت بوده زندانیان ضمن حمله به مأمورین مستقر در اتوبوس زندانی بر و مجروح کردن 2 نفر از آنها موفق می‌شوند از اتوبوس خارج شوند و مبادرت به فرار نمایند در این موقع مأمورین مستقر در دو خودرو متعاقب اتوبوس که مأموریت مراقبت و حفاظت از اتوبوس را بر عهده داشتند اقدام به تیراندازی به‌طرف زندانیان فراری کردند و در نتیجه 9 نفر از زندانیان کشته و هیچ‌یک موفق به فرار نگردیدند... اسامی زندانیان کشته‌شده به شرح زیر است: 1 - محمد چوپان‌زاده، 2 - احمد جلیل افشار 3 - عزیز سرمدی 4 - بیژن جزنی، 5 - حسن ضیاء‌ظریفی 6 - کاظم ذوالانوار 7 - مصطفی جوان خوشدل 8 - مشعوف کلانتری و 9 - عباس سرمدی. « (اطلاعات 54/1/30)

اما این خبر به شهادت گزارشگر ساواک نه‌تنها از سوی مردم مورد قبول قرار نگرفت بلکه اثر کاملاً نامطلوبی هم از خود برجای گذاشت: «به‌طور کلی از گفت‌وگوهای مختلف و اظهارات مردم در محافل چنین استنباط می‌گردد که موضوع کشته‌شدن 9 نفر از زندانیان در حین فرار از زندان به‌وسیله مأموران انتظامی اثر کاملاً نامطلوبی در اذهان عمومی حتی آن دسته از اشخاصی که طرفدار دولت می‌باشند ایجاد نموده و عده‌ای معتقدند دولت قبلاً آنها را کشته و حال می‌خواست با عنوان نمودن فرار از زندان کلاه‌شرعی بر روی آن بگذارد. ضمناً اغلب کارمندان نخست‌وزیری در نهارخوری سازمان از این مسئله اظهار تنفر و تأسف می‌نمودند.» (گزارش از 22520 به 311 به نقل از کتاب: چپ در ایران — مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات - تهران 1380 ص 54)

پیرو دریافت این گزارش مأموران شعبه امنیت داخلی چنین اظهار نظر کرده‌اند: «نظریه شنبه: اگرچه ممکن است ماهیت امر برای تعداد معدودی خصوصاً گروه‌های مخالف روشن باشد ولی چگونگی توضیح واقعه که در جراید منتشر گردید یکی از عوامل عمده‌ای بود که موجب شد اغلب مردم عادی و بدون نظر متوجه اصل قضیه بشوند...» (همان سند)

xxxx

اما حقیقت آن ماجرا تا چند سال بعد سربه‌مهر باقی ماند تا آنکه به دنبال دستگیری دو تن از سر بازجوی‌های ساواک به نام‌های بهمن نادری‌پور معروف به تهرانی و فریدون کمانگر معروف به آرش در خرداد سال 58 و محاکمه آنان در دادگاه انقلاب اسلامی، تهرانی در يك گفت‌وگوي تلویزیونی نحوه به‌قتل‌رساندن 9 زندانی را فاش کرد. وی در بخشی از اظهارات خود در این باره گفت: «يك روز محمدحسن ناصري مرا خواست و گفت که باید در عملیات فوق‌محرمانه‌ای که به دستور ثابتی طراحی شده و چگونگی آن هنوز معلوم نیست شرکت کنی. پنجشنبه 28 یا 29 فروردین بود که رضا عطار پور از من خواست ترتیب انتقال کاظم ذوالانوار از زندان قصر به زندان اوین را بدهم... سر میز ناهار عطارپور جزئیات طرح را با تأکید بر این‌که امروز روز اجرای عملیات است و هیچ‌کس حق اعتراض و سرپیچی ندارد افشا کرد و افزود که به دستور ثابتی این طرح باید اجرا شود... به زندان اوین رفتیم و قرار شد شعبانی (حسینی) و نوذری زندانیان را تحویل بگیرند، ما نیز به قهوه‌خانه اکبر اوینی رفتیم و به انتظار نشستیم. مینی‌بوس حامل زندانیان درحالی‌که سرهنگ وزیري با لباس ارتشی در اتومبیل بود رسید و سربازی را که آنجا پاس می‌داد. مرخص کرد. زندانیان را به بالایی ارتفاعات بازداشتگاه اوین بردیم و درحالی‌که چشم‌ها و دست‌هایشان بسته بود، آنها را ردیف روی زمین نشان‌دیم بعد عطارپور برایشان سخنرانی کرد... بیژن جزنی و چند نفر دیگر شدیداً اعتراض کردند اما نمی‌دانم عطارپور یا سرهنگ وزیري با مسلسل یوزی به روی آنان آتش گشودند و مسلسل را یکی‌یکی به ما داد. من نفر چهارم یا پنجم بودم... (اطلاعات 58/3/1)

34 سال بعد از آن واقعه، ثابتی در بیان خاطرات خود در پاسخ به سوال پرسشگر بار دیگر داستان کهنه فرار را تکرار کرد. وی ابتدا حضور خود بر سر صحنه جنایت را نفی می‌کند و می‌گوید: «مبنای اتهام مربوط به این 9 نفر بر ادعای یکی از بازجویان کمیته مشترک ضدخرابکاری به نام نادری‌پور.. قرار دارد این شخص ظاهراً برای حفظ جان خود مطالبی را عنوان کرده و امید داشته از اعدام رهایی یابد.» (در دامگه حادثه، 255) وی در ادامه می‌گوید: «چون کشته‌شده‌ها از دو گروه مختلف بودند و سابقه فرار از زندان را داشتند، سوءظن چندانی برای من ایجاد نکرد.» (منبع پیشین ص 257)

درباره اظهارات ثابتی درباره کشتار 9 زندانی دست و چشم‌بسته بهترین راه رجوع به گزارش پزشکی قانونی است که بعد از مرگ از معاینه اجساد کشته‌شدگان انجام شده و علاوه بر امضای پزشک قانونی به امضای نماینده دادستان نیز رسیده است.

در سال 1380 کتاب هشتم از مجموعه اسناد «چپ در ایران به روایت اسناد ساواک» که به اسناد چریک‌های فدایی خلق اختصاص داشت منتشر شد. در این کتاب گزارش پزشک قانونی درباره نحوه و دلیل فوت 5 تن از جان‌باختگان آن حادثه آورده شده است.

برای پرهیز از پیش‌داوری بخش‌هایی از گزارش فوت این 5 تن را با هم مرور می‌کنیم:

گزارش اول - بیژن جزنی

اداره کل پزشکی قانونی

گزارش معاینه جسد

پزشک قانونی: دکتر قربانی

تشخیص پزشک قانونی: اصابت گلوله در جمجمه و آسیب مغزی

باز پرس: سرگرد حسن آتشی

نام: بیژن - شهرت: جزنی

شرح معاینه جسد: متعلق به مردی است در حدود 35 سال سن که در معاینه جای آثار خفگی و مسمومیت ندارد. سوراخ‌های ورودی دو گلوله یکی روی ابروی چپ به قطر 1 سانتی‌متر و دیگری حدود دو سانتی‌متر بالاتر از ابروی چپ پیشانی به قطر حدود 115 میلی‌متر مشاهده می‌شود. گلوله‌ها در مغز اصابت و فاقد سوراخ خروجی می‌باشند... باتوجه به مراتب فوق علت فوت اصابت گلوله در جمجمه و آسیب مغزی تعیین ... "

(چپ در ایران - ص 214)

گزارش دوم حسن ضیاء ظریفی

اداره کل پزشکی قانونی ...

شرح معاینه جسد: متعلق به مردی است در حدود 32 سال سن که در معاینه ظاهری علایم خفگی و مسمومیت ندارد. سوراخ ورود گلوله به قطر حدود یک سانتی‌متر در پهلوی راست زیر دنده‌ها و همچنین محل خروج آن به صورت سوراخی به قطر در حدود سه سانتی‌متر در پشت سمت راست کمر مشاهده می‌شود. سائیدگی در سمت چپ نیز وجود دارد که در اثر برخورد با جسم سخت در زمان حیات ایجاد شده است ... روی استخوان سر مشاهده شکستگی جمجمه در حدود 15 سانتی‌متر مشاهده می‌گردد... باتوجه به مراتب فوق علت فوت شکستگی جمجمه و آسیب مغزی در سمت راست در اثر برخورد با جسم سخت تعیین ...

(همان ص 310)

گزارش سوم - عباس سورکی

اداره کل پزشکی قانونی ...

شرح معاینه جسد: متعلق به مردی است در حدود 35 سال سن که در معاینه ظاهری آثار خفگی و مسمومیت ندارد... در جلو پوست سر ندارد. علائم خون‌مردگی وسیع باز مشاهده می‌شود که مربوط به زمان حیات بوده و در اثر برخورد با جسم سخت به وجود آمده است. استخوان جمجمه شکستگی به طول حدود 20 سانتی‌متر به صورت افقی در فرق و سمت چپ سر مشاهده می‌گردد که در شکاف این شکستگی مخ متلاشی شده... باتوجه به مراتب فوق علت فوت شکستگی جمجمه و آسیب مغزی در اثر برخورد با جسم سخت تعیین ...

(همان ص 390)

گزارش چهارم - احمد جلیل افشار

شرح معاینه جسد: متعلق به مردی است که در حدود 28 سال سن دارد. علائم خفگی. مسمومیت ندارد. آثار ورود گلوله در دو نقطه روی سینه یک جا در حدود دو سانتی‌متر پای‌تر از پستان چپ به قطر حدود 1 سانتی‌متر مشاهده می‌شود که از این سوراخ در اثر فشار وارده به قفسه سینه خون خارج می‌شود.

همچنین سوراخ ورودی گلوله دیگر روی جناغ سینه مقابل دنده هفتم در سمت راست به قطر حدود 1/5 سانتی متر مشهود است... باتوجه به مدخل و محل اصابت گلوله اول که درست در ناحیه قلب قرار دارد و خروج خون زیاد از این محل علت فوت پارگی قلب در اثر اصابت گلوله و خونریزی داخلی تعیین... (منبع پیشین ص 419-420)

گزارش پنجم - محمد چوپانزاده

شرح معاینه جسد: متعلق به مردی است حدود 38 سال سن که در معاینه ظاهری آثار خفگی و مسمومیت ندارد و روی پیشانی سمت راست محل ورود گلوله به صورت سوراخی به قطر در حدود 2 سانتی متر مشاهده می شود... سائیدگی هایی در هر دودست مشاهده می شود که مربوط به زمان حیات بوده و در اثر برخورد با جسم سخت به وجود آمده است. باتوجه به مراتب فوق علت فوت اصابت گلوله در پیشانی و شکسته جمجمه و آسیب مغزی تعیین... (همان ص 474)

از جمع بندی 5 گزارش فوق نتایج زیر را می توان به دست آورد:

- 1 - هیچ يك از 5 تن فوق از ناحیه كمر به پایین مورد اصابت گلوله قرار نگرفته اند.
 - 2 - همه افراد مزبور از روبرو مورد هدف قرار گرفته اند. البته به استثنای سوركي كه آثار گلوله در بدن وي مشاهده نشده است.
 - 3- در دو مورد از 5 مورد (ضیاء ظریفی و سوركي) اصولاً علت مرگ آسیب مغزی بر اثر برخورد با جسم سخت و نه گلوله گزارش شده است.
 - 4 — سائیدگی های گزارش شده در ناحیه دستان چوپانزاده، فقدان پوست جلوي سر و شكاف 20 سانتی متری فوق سر عباس سوركي، شكستگی جمجمه 15 سانتی متری ضیاء ظریفی كه بنا به گزارش پزشك قانونی در زمان حیات رخ داده است نشان از شكجه این افراد پیش از مرگ دارد.
- آیا این اسناد هم به قول ثابتی به منظور فرار از مرگ تنظیم شده اند و یا به منظور سیاه نمایی و تهمت زنی به ساواک از سوی تنظیم کنندگان آن نشر یافته اند. اسناد مزبور ما را از هرگونه توضیح اضافه فارغ می سازد. تنها می توان این سؤال را مطرح ساخت که این چگونه فراری بوده است که همه فراریان از جلو و نه پشت سر هدف گلوله قرار گرفته اند و یا آنکه چگونه است که عباس سوركي كه اقدام به فرار کرده است حتی يك گلوله هم به وي اصابت نکرده و بر اثر برخورد جسم سخت جان باخته است و یا آنکه مأموران بامهارت تنها به سر فراریان شلیک کرده اند و حتی يك گلوله هم به پای زندانی در حال فرار اصابت نکرده است؟